

نامه به مردم میهنم

من از مردم وطنم درخواستی دارم. آن عبارت از اینست که در روز بیست و هفتم مرداد ماه مصادف با ۱۷ اوت به خیابانها بیایند. علت این امر اینست که حکومت جنایتکار خامنه ای حاضر نخواهد بود که با روش عادی دست از عنان قدرت بکشد. بنابراین ناگزیر از این هستیم که به زور آنها را وادار به ترک قدرت نماییم. البته این موضوع دارای خطراتی ست و من انکار نمیکنم که شما با اینکار با جان خود بازی میکنید. ولی من بعنوان امام برگزیده از طرف حق تعالی بشما این اطمینان را میدهم که هر گونه خطری که متوجه شما بشود بی شک بمنزله یک عبادت بزرگ بنام شما ثبت میگردد. اگر خدای ناخواسته در این راه جان عزیز خود را از دست دهید بی تردید در زمره رستگاران خواهید بود و روح شما در کنار بزرگانی چون حسین و ابوالفضل قرار خواهد گرفت. اگر هم به دین اسلام عقیده ندارید ولی از دل و جان خواهان برکنده شدن ظلم و ستم از پیکره میهن هستید، با این کار وجود خود و نامتان را جاودانه ساخته اید.

ایران عزیز در خلال سالهای متمادی دستخوش حکومتی بوده است که ضمن اشغالگری و غصب قدرت از حکومت پیشین تا جایی که توانسته مردم وطن را با سیاستهای مزورانه خود تحت فشار گذارده، جانهای عزیز بسیاری را سلب و خانواده های بیشماری را داغدار نموده است. اگر شما با چنین حکومتی میتوانید سر کنید و از وجود آنها راضی هستید که هیچ، ما را با شما کاری نیست. اگر هم هنوز امید بهبود اوضاع را دارید و تصور میکنید که این حکومت میتواند با توسل به ترفندهای کهنه و سیاستهای تزویرگونه شرایط موجود را به وضعیتی قابل تحمل مبدل کند، باز هم از شما فاصله میگیریم. ما عقیده داریم که اساس این حکومت از ظلم و کفر سرچشمه گرفته و هرگز نمیتواند برای مردم وطن شرایط مطلوبی را ایجاد کند. پس میباید همه دست در دست هم گذارده اساس آنها را از بیخ و بن برکنیم. این مهم میسر نیست مگر با اتحاد آنهام اتحادی آهنین و تشط ناپذیر.

حکومتیان آنقدر که تصور میکنند قدرتمند نیستند. ما از دولت پیشین آمریکا و ترامپ سپاسگزاریم که برای تضعیف این حکومت جلاد اقدام نموده بسیاری از راههای کسب سرمایه را بر آنها مسدود نمود. اینکار پایه ای گذاشت تا ما بتوانیم اولاً با اتکا به نیروی الهی و ثانياً نیروی مردم این حکومت را نسبتاً براحتی شکست دهیم. از این پس دیگر بستگی به این خواهد داشت که شما یعنی ملت عزیز ایران تا چه اندازه به خواسته های من ارزش قائل شوید و نیز تا چه میزانی بتوانید از جان و مال خود گذر کنید تا ایرانی آزاد و آباد داشته باشیم. باز هم میگویم به خیابان آمدن شما حاوی خطراتی ست ولی اگر حضورتان میلیونی باشد حکومتیان از اینکه کشتار کنند فاصله خواهند گرفت و امید این میرود که بسیاری از آنها به مردم پیوندند. من نوشتارهایی را برای تلمذ شما نوشته و در

وبسایتم قرارداد داده ام تا شما بدانید که من کیستم و خطوط شخصیتی من چیست. بسیاری از اینها به وحی مستقیم الهی ست و میتوان گفت اولین نوشتارهای فارسی زبان از منبع وحی میباشند. تقاضا میکنم ابتدا این نوشتارها را از نظر بگذرانید، سپس با خواندن کتاب قانون و نوشتارهای دیگر به اساس حکومتی که من بانی آن خواهم بود پی ببرید. گذشته از خواندن آثار، کلیپهایی از من در بخشهایی از وب سایت موجودند که بنحوی خاص مرا بشما میشناسانند. در این کلیپها از لحنی صریح استفاده کرده ام و فارغ از هر گونه تظاهر و پرده پوشی شهریاری را در آنها میابید که آرزوی داشتنش را بعنوان رهبر در دلتان خواهد کاشت. اگر با استفاده از این آثار احساسی جز این بشما دست دهد تنها میتواند بدو علت باشد. امکان دارد با پیش قضاوتی به آنها رجوع کرده اید و یا اینکه اصولاً به داشتن یک رهبر فردی اعتقاد ندارید. در هر دو صورت مرا بعنوان یک دوست و ناصح بپذیرید و بدانید که خیر همگان را در دل دارم و حتی آنانیکه از طریق دشمنی وارد شوند مرا بدور از مهر و ترحم نسبت به خود نخواهند یافت.

در میان بسیاری از آثار نوشتاری حروف را بصورت پرننگ مشاهده خواهید نمود. این یک تغییر ساده نیست بلکه نشانه اینست که نوشتار به وحی مستقیم پروردگار منان تهیه و تدوین گردیده است. ضمناً به هموطنانی که با زبان شعر آشنایی داشته از اشعار بلند پیشینیان از قبیل سعدی و عطار لذت میبرند توصیه میکنم به دیوان من رجوع کنند. امیدوارم اشعار ارائه شده که بسیاری از آنها به وحی مستقیم الهی سروده شده اند مورد توجه و اقبال همگان قرار گیرند. اشعار دیوان شهریار ولی چند بعد از شخصیت مرا نشان میدهند که شامل بعد الهی، بعد سیاسی، عاشق بودن، ناصح بودن، و خودشکنی ست.

حکومتهای بسیاری در جهان آمده و رفته اند ولی تنها حکومت شهریار ولی ست که همانند دو حکومت تاریخی که تحت پادشاهی کوروش کبیر و ذولقرنین بوده اند عمل خواهد کرد. این دو حکومت قابل مقایسه با حکومتی هستند که من در ایران و در سایر کشورهای هلال شیعی تشکیل خواهم داد. حکومت شهریار ولی برای ظهور امام زمان مهدی پیریزی لازم را نموده مردم عزیز میهنم را برای آنروز بزرگ بنحو بهینه آماده خواهد نمود. اگر تصور میکنید که ما هم میخواهیم با مشت آهنین بر شما عزیزان حکومت کنیم سخت در اشتباهید. بهمین دلیل بار دیگر تقاضا میکنم کتابهای مرا دقیقاً بخوانید و اگر خود قادر نیستید یا وقت آنرا ندارید از فردی که باو اعتماد کامل دارید بخواهید تا شما را راهنمایی کند. بدانید که ما پیش از هر چیز ضرورت حجاب اسلامی را سلب میکنیم، دوم اینکه قانون قصاص را بر میداریم، و از مجازات اعدام برای ایران آینده فاصله میگیریم، مگر برای افرادی که در این مدت نسبت

به ایرانیان ظلم و ستم بیحدّی روا داشته و جنایاتی را مرتکب شده اند که بسیاری از آنها مصداق جنایت علیه بشریت اند.

در خاتمه بشما عرض میکنم که برای روز ۲۷ مرداد روزشماری میکنم. میدانم که در اینروز بزرگ هموطنان بطور میلیونی به خیابانها میریزند تا اساس ظلم و کفر را برچیده سازند. از هیچ نهراسید و به حکومتیان و سپاه سرکوب بفهمانید که دیگر زمان رزم و رویارویی فرا رسیده است. اگر خود را در برابر سیل ملت قرار دهند، بی شک از میان برداشته میشوند. اگر اسیر شوند، با آنها با رأفت برخورد کنید. اجازه ندهید که این سرکوب گران از دست شما فرار کنند ولی به آنها آسیب جانی نرسانید. بگذارید تا در ایران آینده مردم کشور از این روز بزرگ و روزهای آینده بخوبی یاد کنند و بدانند که شما عزیزان با اسیرانی که گرفتید با جوانمردی و انصاف رفتار کردید. از طرف دیگر اگر حاکمان و دستور دهندگان جنایات را بدست آوردید از آنها نگذرد و هر جا که توانستید آنها را محاکمه مردمی کنید. آخوندهای حکومتی و جانیان را شناسایی و بدنبال دستگیر کردن آنها باشید. راه فرار را بر آنها ببندید و اجازه ندهید با قیافه یا لباس مبدل از دست شما نجات پیدا کنند.

حکومتیان با این امید دست و پنجه نرم میکنند که مبدا بدست مردم افتاده با وضعی فجیع ناگزیر از پس دادن تقاص ظلم و جوری گردند که در ظرف سالیان بر مردمی بی دفاع و مظلوم روا داشتند. امنیت اینان را ما نمیتوانیم تضمین کنیم و جان این افراد در دست مردمی ست که آنان را دستگیر نموده در اختیار میگیرند. اینرا گفتم تا بدانید هر چند طرفدارانم را از خشونت ورزی بیمورد منع نموده ام قادر به این نیستم که از شدت رفتاری که ناشی از حس انتقام نسبت به دیوان و ددان باشد جلوگیری کنم. افرادی را که به اعدام محکوم کرده یم تنها بخشی از عناصر ظلم پیشه و جنایتکار را تشکیل میدهند. دیگری که از آنها نام نبرده ایم از اینکه به اعدام محکوم شوند رسته اند ولی از هر سرنوشت ناگوار دیگر که میتواند انتظارشان را کشد در امان نیستند. همچنین اگر فردی به جرگه سب کنندگان شهریار ولی بپیوندد هرگز از دستخورد حوادث در امان نخواهد بود ولو اینکه از عفو ما برخوردار گردد. این نه یک تهدید بلکه حقیقتی ست عریان که باید پیش از آنکه با ما به دشمنی و معارضة بر خیزید در مدّ نظر داشته باشید. امشب پروردگارم برای اینکه مرا بهر ظهور آماده سازد مراسمی را ترتیب داده که شامل خوابی شکوهمند و طیّ الارض بسوی دخترم ساراست. برای فردا شب نیز دو واقعه و پدیده خارق العاده در ذخیره اند. این دو شب را میتوان بعنوان خاستگاه خورشید در نظر گرفت و باید دانست که تاریکی عالم شما دواایی دارد که بدست من داده شده و نورانیّتی که در نهاد دارم بسرعت به رفع و دفع این شرایط حضيض گونه خواهد پرداخت.

شهریار ولی کسی ست که در سایه الهی از همان روز ازل پرورش یافت و خدای دو عالم ویرا بعنوان پسرخوانده ای قرار داد تا بتواند پدر آسمانی را بنیکی جانشینی کند. حال این پسرخوانده و خدای کهتر در نزد شماسست و عنوانی را که بحق از آن او بوده است از جماعت مسیحی باز میستاند. مسیحیان البته در ستایش مسیح راه افراط پیمودند و خود را به تنگنایی مخوف انداختند که رهایی از آن آسان نیست. هر گاه امکان یابید که قدم در یک کلیسا بگذارید مدل معماری و نحوه آرایش داخلی آن شما را به حالتی دچار میکند که سردرگمی بهترین توصیف آنست. تمثال مسیح معمولاً در انتهای راهرویی که در دو طرفش صندلی هایی چیده شده اند قرار دارد در حالتی که یادآور یک انسان زجر دیده و خوار شده است که در مظلومیتی تام زیست و ارزش وجودیش بر کسی دانسته نشد تا مگر سالها پس از رحلتش. کسانی که از قول مسیح مطالبی را نقل کردند این هدف و نیت را در سر داشتند که از وی خدایی سازند که در کنار پروردگار عالم به خدایی میپردازد. مسیح را جایگاهی بخشیدند مشابه آنچه میترا در عالم عتیق دارا بود. با چنین ترفندی اعتقاد به میترا و میتراپرستی جای خود را به مسیحیت و پرستش مسیح بعنوان پسر خدا داد. این فرضیه البته یک انحراف و کجراهی عمیق و شدید را میرساند چرا که ما میدانیم که مسیح جز یک پیامبر نبود و با همه فرشته آسایی اش در برابر میترا که پسرخوانده راستین پروردگار است خاکساری مینمود.

اکنون که پسرخوانده و خدای کهتر در نزد شماسست اینرا قدر دانید و قدم ما را همانطور که پروردگارم از شما خواسته عزیز داشته هر خیر و نیکی که در نهاد دارید در راه اعتلای ایران مصروف کنید تا خرسندی خدا را داشته سعادت رستگاری را برای خود کسب کنید. من از راه دور همگی شما عزیزان را بخدای بزرگ سپرده برایتان آرزوی خیر و موفقیت در راه خطیری که در آن قدم میگذارید دارم. خداوند منان پشتیبان و نگهدارتان باد.

**شهریار ولی**